گفت‌وگو

در گفت‌وگوی «شرق» با عبدالمحمد طاهری، موضوع دستگیری مرزبانان ایرانی و مناسبات مرزی ایران و طالبان بررسی شد

طالبان باید به قواعد و قوانین مرزبانی تمکین کند

مالک مصدق: پنجشنبه هفته گذشته شش نیروی مرزبان ایرانی از طرف نیروهای طالبان در جنوب شرق کشور بازداشت شدند که ساعاتی بعد با انجام اقدامات لازم آزاد شدند. اگرچه وقوع این‌دست اتفاقات در مناسبات مرزی امری طبیعی به نظر می‌رسد، اما روند تحولات و تنش‌های مرزی ایران و افغانستان پس از روی کار آمدن طالبان، یک روند صعودی و فزاینده را نشان می‌دهد؛ اتفاقی که می‌تواند از جنبه‌های مهم و به‌ویژه امنیت ملی محل تمرکز و توجه باشد. از این‌رو «شرق» در گفت‌وگویی با عبدالمحمد طاهری سعی کرده است جنبه‌های این اقدام و در کل مناسبات مرزی ایران و افغانستان در دوره حکومت طالبان را به شکل دقیق‌تر کنکاش کند. آنچه در ادامه می‌خوانید، ماحصل گپ‌وگفت با اولین مستشار و رایزن فرهنگی وزارت امور خارجه ایران در وزارت معارف افغانستان است که در کارنامه دیپلماتیک خود علاوه بر کارداری ایران، سابقه مشاور سیاسی برخی چهره‌های افغانستان نظیر محمد حنیف اتمر، وزیر امور خارجه سابق افغانستان را هم دارد.

●●●

جناب طاهری پنجشنبه هفته گذشته شاهد دستگیری تعدادی از مرزبانان ایرانی بودیم که به نظر می‌رسد با ورود اشتباهی آنان به خاک افغانستان رخ داد و ساعاتی بعد هم آزاد شدند. جدای از این نکته، شما روند درگیری و دستگیری مرزی بین ایران و افغانستان از زمان روی کار آمدن حکومت دوم طالبان را چگونه می‌بینید؟

اتفاقا نکته همین‌جاست که اگر موضوع صرفا ورود اشتباهی و غیرعمدی مرزبانان ایرانی به خاک افغانستان بود، دستگیری آنها از طرف طالبان می‌تواند یک واکنش طبیعی جلوه کند؛ کمااینکه در دیگر نقاط مرزی امکان وقوع آن وجود دارد. اما مسئله اساسی اینجاست که در بازه زمانی سه‌ساله‌ای که از روی کار آمدن حکومت دوم طالبان می‌گذرد، به نظر می‌رسد هم شدت درگیری‌ها با مرزبانان ایرانی و هم تعداد دفعات دستگیری مرزبانان کشور رو به افزایش است؛ تا جایی که اکنون خبرهایی دال بر این وجود دارد که وزارت کشور و هنگ مرزبانی ایران موضوع ایجاد دیوار مرزی را به شکل جدی‌تر در دستور کار خود قرار داده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد در وهله اول این دیوار مرزی با هدف توقف در رفت‌وآمد مهاجران غیرقانونی به داخل خاک ایران، تردد‌نداشتن گروه‌های تروریستی و باندهای قاچاق مواد مخدر در مرز است، اما نمی‌توان شدت و وسعت درگیری نیروهای طالبان با مرزبانان ایرانی را هم یکی از عوامل مهم در تغییر نگاه تهران به حوزه مرزداری با افغانستان ندانست.

دستگیری مرزبانان ایرانی صرفا از این جنبه قابلیت ارزیابی دارد یا حضرت‌عالی ابعاد تحلیلی دیگری را متصور هستید؟

دستگیری مرزبانان ایرانی صرفا یک جنبه ندارد. جنبه مهم‌تر دیگر این است که ثابت شد طالبان فارغ از قرائت‌های ایدئولوژیک تندروانه خود که می‌تواند یک تهدید امنیتی باشد، مشخصا در موضوع سرزمین‌های ایران پشت دیوار مرزی حاضر به همکاری با ایران نخواهد بود. به بیان دیگر این‌دست رفتارها نشان از سخت‌گیری طالبان دارد و هم‌زمان با آن مؤیدی بر آن است که طالبان هیچ‌گونه قاعده و قانونی در حوزه مرزبانی و مرزداری را ملاک عمل و رفتار خود قرار نمی‌دهد و کوچک‌ترین توجهی هم به قراردادهای فی‌مابین برای ترسیم مرز دو کشور ندارد.

پس به باور شما امکان تداوم و تشدید درگیری‌های مرزی و همچنین احتمال درگیری مرزبانان وجود دارد؟

بدون شک چنین است. این یک چیز طبیعی است و در همه مرزها روی می‌دهد؛ اما موضوع مرز ایران و افغانستان از زمان طالبان فرق دارد.

چه فرقی؟

فرق اصلی به سایه سنگین نگاه‌های رادیکال ایدئولوژیک طالبان و خوانش‌های تند ناسیونالیستی آنان بازمی‌گردد؛ بنابراین اساسا نیروهای مرزبانی افغانستان که همان نیروهای طالبان هستند، نیروهای آموزش‌دیده‌ای نیستند که بخواهند حرفه‌ای رفتار کنند، بلکه بر مبنای خوانش‌های ایدئولوژیک و قرائت‌های ناسیونالیستی پشتونی خود به مسائل مرزی و سرزمینی نگاه می‌کنند. درحالی‌که با توجه به حساسیت موضوع مرزبانی و مرزداری و همچنین حوزه امنیتی مربوط به حوزه هنگ مرزی باید مرزبانان افغانستان یا مشخصا نیروهای طالبان در حوزه مرزبانی و مرزداری تجربیات لازم را ببینند که خدای ناکرده از تکرار این اتفاقات جلوگیری شود یا از وقوع حوادث تلخ‌تر پیشگیری کرد. کسی نمی‌تواند تضمین بدهد که در درگیری‌های پیش‌روی احتمالی یا بروز خطای سهوی مرزبانان ما که کاملا طبیعی است، شدت تنش تا چه حد بالا خواهد رفت و آیا خدای ناکرده این تنش‌ها کشته یا زخمی به دنبال خواهد داشت یا نه؟ اینجاست که وزارت امور خارجه، وزارت کشور و همچنین هنگ مرزی جمهوری اسلامی ایران باید به شکل جدی، صریح و بدون پرده، طالبان را وادار کند در موضوع مشخص مرزبانی و مرزداری یا به قوانین و مقررات پایبند باشد یا آموزش‌های لازم را دراین‌باره ببیند که بداند اختلافات مرزی باید چگونه اداره شود. نمی‌توان با نگاه‌های شعاری، احساسی و ایدئولوژیک پشتونی به مرزداری پرداخت؛ چون این نوع نگاه‌های تندروانه که متأسفانه با نگاه‌های ایدئولوژیک هم درآمیخته است، خودبه‌خود زمینه‌ای برای هرگونه درگیری و تنش ناخواسته خواهد بود.

مسئله خطرناک‌تر اینجاست که چون نیروهای طالبان با همان نگاه ایدئولوژیک تندروانه و قرائت‌های ناسیونالیستی پشتونی به مرزبانی و مرزداری نگاه می‌کنند، هرگونه تردد یا ورود سهوی مرزبانان ایرانی به خاک افغانستان را با نگاه امنیتی و تلاش برای برهم‌زدن حاکمیت طالبان تحلیل می‌کنند که می‌تواند به یک واکنش و برخورد سخت طالب‌ها منجر شود. شاید در اتفاق پنجشنبه گذشته با یک مذاکره، شش مرزبان در کمال صحت و سلامت به کشور بازگشتند، اما نمی‌توان این یقین را حاصل کرد که در صورت بروز اتفاقات مشابه، درگیری‌ها بیشتر نشود. ما تجربه تلخ درگیری‌های مرزی طالبان افغانستان با نیروهای مرزی پاکستان در همین سه سال اخیر را فراموش نکرده‌ایم که کماکان ادامه دارد و حتی تشدید هم پیدا کرده است. پس این موضوع اصلا چیزی ساده و طبیعی نیست که بخواهیم از کنار آن و بدون حساسیت رد شویم. من معتقدم طالبان در حوزه مرزبانی و مرزداری با سوءنیت رفتار و برخورد می‌کند و باید هرچه زودتر جلوی آن گرفته شود تا این رویه به عادت طالبان تبدیل نشود که هر زمان و هر جا که دلش خواست، با سلیقه خود عمل کند. مرزبانی و مرزداری قاعده و قانون دارد و طالبان هم باید به آن تمکین کند؛ در غیر این صورت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

در گفت‌وگو با محمد مهاجری درباره بررسی آرایش سیاسی و میزان تأثیرگذاری مجلس دوازدهم عنوان شد

مجلس دوازدهم فاقد ستاره سیاسی است

رئیسی، رئیس‌جمهوری تک‌دوره‌ای نخواهد بود؛ زیرا گزینه دیگری برای رأی‌آوری اصولگرایان وجود ندارد

عبدالرحمن فتح‌الهی: در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس دوازدهم، برخی از چهره‌های بهارستان خود را برای تکیه‌زدن بر کرسی ریاست مجلس آماده می‌کنند. در این بین طیفی از ناظران با وجود آنکه ادامه کار محمدباقر قالیباف در سمت ریاست مجلس را پررنگ‌تر از سایر نامزدها می‌دانند، اما هم‌زمان اذعان دارند که جریان اصولگرای رادیکال، قدرت و نفوذ قالیباف را در مجلس پیش‌رو به حداقل خواهد رساند. در مقابل طیفی هم حتی با شانس کم احتمال روی‌کارآمدن چهره جدید برای ریاست قوه مقننه را طرح می‌کنند. با توجه به خیل موضع‌گیری‌های چهره‌های حاضر در مجلس پیش‌رو، در هفته‌های جاری گمانه‌زنی درباره رئیس مجلس آتی، ترکیب هیئت‌رئیسه و رؤسای کمیسیون‌های آن اکنون به یکی از بحث‌های جدی در محافل سیاسی و رسانه‌ای کشور بدل شده است. از این‌رو در گفت‌وگویی با محمد مهاجری تلاش شد تا نگاه و پیش‌بینی او را درباره این موضوع جویا شویم. آنچه در ادامه می‌خوانید تحلیل این فعال سیاسی و رسانه‌ای اصولگرا درباره وضعیت مجلس دوازدهم است.

●●●

در حالی در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس دوازدهم هستیم که از هم‌اکنون جریان‌های سیاسی نشست‌های خود را برای تعیین تکلیف کرسی ریاست مجلس آینده و اعضای هیئت‌رئیسه آغاز کرده‌اند. در کل اکنون دو روایت یا دو پیش‌بینی وجود دارد که نخست قائل به ادامه کار محمدباقر قالیباف به‌عنوان رئیس مجلس در آینده خواهد بود و برخی هم احتمال می‌دهند که رئیس مجلس دوازدهم شخصی غیر از قالیباف باشد که البته شانس وقوع این گزاره را ضعیف می‌دانند و در عوض احتمال تحقق سناریوی اول پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. بااین‌حال تقریبا قاطبه ناظران سیاسی باور دارند که حتی اگر محمدباقر قالیباف به‌عنوان رئیس مجلس دوازدهم انتخاب شود، بی‌شک قدرت اجرائی و توان تأثیرگذاری بر نمایندگان را مانند مجلس یازدهم نخواهد داشت. از منظر محمد مهاجری و فارغ از اینکه چه کسی از چه جریان سیاسی بر کرسی ریاست مجلس تکیه بزند، اساسا تضعیف توان و قدرت رئیس مجلس را به صلاح می‌داند؟

من می‌خواهم تحلیل را قدری عمیق‌تر کنم و یک آسیب‌شناسی جدی‌تری داشته باشم. به نظر من مجلس دوازدهم فاقد ستاره سیاسی است.

مگر در مجلس فعلی (یازدهم) چنین نبود؟!

بله در مجلس کنونی هم ستاره سیاسی وجود نداشت ولی به نظر من در مجلس دوازدهم شدت خلأ یک چهره تأثیرگذار و یک ستاره سیاسی بیشتر نمود پیدا می‌کند.

یعنی کسانی مانند متکی را هم ستاره حساب نمی‌کنید؟

من ایشان را جزء ستاره‌ها نمی‌دانم ولی حتی اگر بخواهم خوشبینانه هم قضاوت کنم، باز هم به نظر من مجلس دوازدهم، اگر نگوییم بی‌ستاره است، لااقل بسیار کم‌ستاره است. یعنی اگر به آرایش مجلس پیش‌رو و افراد راه‌یافته به آن نگاه کنیم، چهره‌ای که بتواند تأثیر و تعیین‌کننده باشد، دیده نمی‌شود و از آن ناخوشایندتر این است که متأسفانه اکثر نمایندگان مجلس دوازدهم با حدود ۲۰ درصد آرای مردم به بهارستان راه پیدا کرده‌اند و این نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس دوازدهم به زحمت و به ندرت می‌توانند خود را نماینده اکثریت جامعه یا حوزه انتخابیه‌شان بدانند و به همین دلیل افراد منتخب، چهره‌های تعیین‌کننده و شاخص یا نخبه سیاسی وارد مجلس نشدند که بخشی از آن ناظر بر عملکرد شورای نگهبان و ردصلاحیت‌هاست و بخشی هم به عدم مشارکت جدی مردم بازمی‌گردد. بنابراین در مجموع ما وقتی به آرایش مجلس پیش‌رو نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این مجلس کم‌ستاره یا بی‌ستاره است و نمی‌تواند چهره یا فرد شاخصی داشته باشد که بتواند وزن کافی برای تعیین‌کنندگی داشته باشد. طبیعتا وقتی ما با قحطی چهره شاخص و تعیین‌کننده در مجلس دوازدهم روبه‌رو باشیم، رئیس و هیئت‌رئیسه این مجلس هم نمی‌توانند وزن و نفوذ بالای سیاسی داشته باشند؛ چون این افراد شأن سیاسی خود را در جامعه هم از دست داده‌اند و از این‌رو، آن اتوریته لازم و توانمندی کافی برای تعیین‌کنندگی را ندارند. حالا اینکه چنین شرایطی و فقدان تأثیرگذاری لازم از سوی رئیس مجلس، فارغ از اینکه چه کسی روی کار بیاید، تا چه اندازه به شأنیت مجلس لطمه خواهد زد، موضوعی است که باید قدری عمیق‌تر درباره آن صحبت کرد.

قبل از ورود به این موضوع، جناب مهاجری شما در میان افراد و نامزدهای احتمالی شانس چه کسی را برای تکیه‌زدن بر کرسی ریاست مجلس پررنگ‌تر می‌دانید؟

طبق اخبار و گزارش‌ها افرادی که فعلا برای نشستن بر کرسی ریاست مجلس ابراز تمایل کرده‌اند، محمدباقر قالیباف، منوچهر متکی، علی نیک‌زاد، مرتضی آقاتهرانی و ذوالنور است. البته اسامی دیگری هم مطرح شده‌اند که نیم‌نگاهی به ریاست مجلس دارند.

ولی در این بین جلساتی با محوریت یکی از نمایندگان هم درخور توجه است که نشان می‌دهد او نیز به شکل جدی به فکر تصاحب کرسی مجلس است یا حداقل در تلاش است قالیباف بر آن تکیه نزند؟

من بعید می‌دانم فردی مانند ایشان خودش را در چنین جایگاهی ببیند که توان تکیه‌زدن بر صندلی ریاست مجلس را داشته باشد و حتی خودش را در آن قد و قواره هم ببیند که برای ریاست مجلس کاندیدا شود.

پس با چه هدفی این جلسات تشکیل می‌شود؟

ببینید تعداد چهره‌ها و افراد رادیکال مجلس دوازدهم بیشتر از مجلس یازدهم نیست و اتفاقا برخوردهای تندی که این افراد در آستانه انتخابات مجلس سال گذشته کردند، اگرچه باعث شد برخی چهره‌های تندرو شاخص وارد مجلس شوند اما به دلیل همان عملکرد تندی که از خود نشان دادند، خود به خود سبب شد این جریان سیاسی رادیکال منزوی شود. بنابراین به نظر من و با توجه به شرایط کنونی بعید است این رادیکال‌ها، حداقل و به‌طور مشخص کاندیدایی برای ریاست مجلس داشته باشند. البته من معتقدم آنها سعی خواهند کرد که در هیئت‌رئیسه مجلس حتما چهره‌های شاخص خود را بگمارند، اما داستان ریاست مجلس چیز دیگری است.

عکس: سپهر ناکی، شرق

یعنی به باور شما جلسات با هدف مدیریت کسب بیشترین اعضای هیئت‌رئیسه در مجلس دوازدهم است، نه کرسی ریاست؟

بله، من چنین تصوری دارم. از طرف دیگر قطعا مواضع و سخنان محمدباقر قالیباف در مجلس دوازدهم در قیاس با مجلس یازدهم بسیار ضعیف‌تر خواهد بود؛ چراکه به‌هرحال باید بپذیریم قالیباف در مجلس یازدهم یک تیم قوی و یاران زیاد همسو با خود را داشت که یک موج قوی و پرجمعیت نمایندگان را پشت سر او (قالیباف) به وجود آورد که حرف و سخن و تصمیم قالیباف را منشأ اثر در مجلس کرده بود. ولی آقای قالیباف برای انتخابات مجلس دوازدهم یک اشتباه کرد.

چه اشتباهی؟! ائتلاف با پایداری‌ها؟

اشتباه آقای قالیباف در ائتلاف با پایداری‌ها این بود که بسیاری از دوستان خود را به بهای این ائتلاف کنار گذاشت و پذیرفت که این افراد همسو با خود را از لیست حذف کند.

این افراد می‌توانستند رأی‌آور باشند؟

این مسئله به معنای آن نیست که اگر این افراد در لیست حضور می‌داشتند، می‌توانستند رأی بیاورند، اما اقدام آقای قالیباف هم نشان داد که او در بزنگاه‌ها و مقاطع حساس تصمیم‌گیری برهه‌های سرنوشت‌ساز حتی بر سر رفاقت خود با دوستان هم باقی نمی‌ماند و آنها را به‌راحتی ورق می‌زند و پشتشان را خالی می‌کند. یعنی آنها را به بهای ائتلاف با پایداری‌ها از دور خارج می‌کند. در نتیجه من معتقدم آقای قالیباف در مجلس آینده، حتی در بین دوستان سابق خود هم فاقد اعتبار سیاسی گذشته خواهد بود.

به سؤال قبلی بازگردیم. فارغ از اینکه آقای قالیباف رئیس مجلس بشود یا نشود یا هر فرد دیگری از هر جریان سیاسی بر این کرسی تکیه بزند، اساسا ازدست‌دادن توان مدیریت، قدرت اثر و اتوریته رئیس مجلس چقدر بر تأثیرگذاری این قوه مؤثر است؟

از افراد عبور کنیم. به نظر من در سایه آرایش مجلس پیش‌رو و افراد حاضر در بهارستان، رئیس مجلس آینده چیزی در حد یک سخنگو خواهد بود. یعنی رئیس مجلس آینده شأنیت رئیس را ندارد و در قیاس با رؤسای قبلی مجلس که یک چهره ملی محسوب می‌شدند، رئیس مجلس پیش‌رو جایگاه یک چهره ملی را نخواهد داشت... .

حتی قالیباف؟!

حتی قالیباف. یعنی هرکسی چه قالیباف باشد، چه نیکزاد باشد، چه آقاتهرانی، چه متکی یا هر فرد دیگری که بر این کرسی ریاست مجلس دوازدهم تکیه بزند، به نظر من شأن یک چهره ملی را ندارد.

اگر از تحلیل در سطح افراد به تحلیل در سطح جریان‌های سیاسی ورود کنیم، ائتلاف‌ها و فراکسیون‌های پیش‌رو در مجلس دوازدهم را چگونه می‌بینید؛ چراکه این گمانه مطرح است که برای ریاست مجلس احتمال دارد خود قالیباف حاضر به ائتلاف با جریان‌های مستقل، معتدل و حتی اصلاح‌طلبان باشد و جالب‌تر اینجاست که برخی هم باور دارند که شریان، پایداری و امنا نیز به بهای کنار گذاشته‌شدن قالیباف حاضر به ائتلاف مشابهی با مستقلین، معتدلین و اصلاح‌طلبان هستند. فارغ از این سناریو، آیا ائتلاف‌های مجلس دوازدهم به صورت تاکتیکی و در مقاطع مشخصی مانند تعیین ریاست مجلس و هیئت‌رئیسه آن خواهد بود یا نه؟

از هم‌اکنون مشخص است که مجلس دوازدهم چند فراکسیون خواهد داشت؛ تا جایی که اگرچه من احتمال می‌دهم فراکسیون اصلاح‌طلبان و مستقلین و معتدلین چندان منسجم نباشد، باوجوداین تعداد فراکسیون‌های مجلس دوازدهم به مراتب بیشتر از فراکسیون‌های مجلس یازدهم خواهد بود و خود اصولگرایان چند فراکسیون خواهند داشت؛ یعنی پایداری‌ها فراکسیون جدا دارند و اختلافاتی با فراکسیون امنا خواهند داشت. همین‌طور فراکسیون اصولگرایان سنتی و فراکسیون طرفداران آقای قالیباف هم شکل خواهد گرفت؛ پس جریانات اصولگرایی متمایز و متفاوت از هم عمل خواهند کرد. به همین دلیل مجلس دوازدهم یک مجلس چندفراکسیونی است که به نظر من آرای این فراکسیون‌ها به‌شدت متزلزل خواهد بود؛ چه در انتخاب رئیس مجلس، چه در انتخاب اعضای هیئت‌رئیسه و چه حتی در انتخاب رؤسای کمیسیون‌های مجلس. به همین دلیل دوباره می‌گویم که هم رئیس مجلس، هم هیئت‌رئیسه و هم رؤسای کمیسیون‌های مجلس پیش‌رو چندان قوی نخواهند بود. واقعا بازی‌های سیاسی در مجلس دوازدهم در چهار سال پیش‌رو تماشایی است و منتظر کارنامه این مجلس خواهیم بود.

از هم‌اکنون دو قرائت کلی و متضاد از هم درباره نقش و توان مجلس دوازدهم در رادیکالیزه‌کردن فضای سیاسی کشور، آن‌هم در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح است. طیفی معتقدند تندروهای این مجلس با درک واقعیت‌های اجرائی و اقتضائات سیاست‌ورزی و نیز حدود و ثغور و محدوده عمل مجلس از رفتارهای شعاری و احساسی دوره انتخابات عدول خواهند کرد و خبری از رادیکالیزه‌شدن فضا نیست؛ اما برخی هم باور دارند که تعدادی از چهره‌های تندرو در مجلس دوازدهم بر مبنای حاشیه‌سازی‌های دوره انتخابات در بهارستان عمل خواهند کرد.

اگر منظور مشخص سؤال شما این است که آیا مجلس دوازدهم یک مجلس رادیکال خواهد بود که از خطوط قرمز ترسیم‌شده عبور خواهد کرد، به نظر من شاید در ماه‌های اول، این مجلس بر پایه آن شعارهایی که داده است، پیش برود؛ اما رفته‌رفته فضا تعدیل می‌شود؛ یعنی دست‌کم تا شش ماه این فضای رادیکال از طرف برخی افراد ادامه پیدا خواهد کرد و به‌همین‌دلیل شاید این مجلس در همین ماه‌های اول بیشترین تذکرات را برای حفظ آرامش و اعتدال و پرهیز از تندروی‌ها دریافت کند؛ اما بعد از این مدت خود نمایندگان کم‌کم متوجه خواهند شد که این مجلس و کرسی‌ای که بر آن نشسته‌اند، بر روند تصمیم‌گیری‌های جاری کشور اثرگذاری چندانی ندارد؛ بنابراین بعد از مدتی باد تندروها خالی خواهد شد و با تحلیل واقعیت‌ها و شرایط جاری کشور، افراد جایگاه و محدوده حوزه اختیارات خود را درک خواهند کرد. البته دراین‌بین احتمال این هم وجود دارد که برخی افراد به صورت مستقل و تک و توک، تندروی خود را داشته باشند.

در حالی مجلس دوازدهم از خردادماه کارش را آغاز می‌کند که کشور کم‌کم خود را برای فضای انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم در سال آینده نیز آماده می‌کند. از نگاه محمد مهاجری نقش و جایگاه این مجلس و این جریان‌های سیاسی در بهارستان در ترسیم روند انتخابات ریاست‌جمهوری چگونه خواهد بود؟ اصلا تأثیری دارند؟

ببینید اکثریت اصولگرایان در مجلس دوازدهم هیچ گزینه و نامزد اصلاحی برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم در سال ۱۴۰۴ نخواهند داشت و حتی اگر گزینه و نامزدی هم داشته باشند، خود اصولگرایان می‌دانند که آن گزینه در مقابل رئیسی نمی‌تواند رأی‌آور باشد؛ یعنی تضمین رأی‌آوری را ندارد. از طرف دیگر این اصولگراها مطمئن هستند همان ریل‌گذاری که برای انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری در خرداد ۱۴۰۰ تعیین شد، در سال ۱۴۰۴ و برای انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری هم تکرار خواهد شد؛ پس به نظر من نمایندگان مجلس دوازدهم خیلی توان و تمایلی برای مقاومت در برابر این روند نخواهند داشت.

باوجوداین در فاصله زمانی تقریبا یک‌ساله مجلس دوازدهم و دولت سیزدهم چه نوع دیالکتیک سیاسی بین دو قوه شکل خواهد گرفت؟ هم‌نوایی، همسویی، حمایت و همکاری قوای مجریه و مقننه در دستور کار است یا شکاف سیاسی و انتقاد از دولت مطرح خواهد بود؟

به نظر من هرچه به فضای انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم در بهار ۱۴۰۴ نزدیک‌تر شویم، مشخصا فراکسیون‌های مستقلین و معتدلین و اصلاح‌طلبان جنب‌وجوش و فعالیت سیاسی خود را ضد رئیسی خواهند داشت؛ اما اکثریت اصولگرایان که بدنه مجلس را تشکیل می‌دهند؛ مانند مجلس یازدهم با همان صبر استراتژیک به فکر حمایت از رئیسی خواهند بود؛ چون گزینه دیگری نخواهد بود.

ولی مجلس در این مدت در حوزه نظارتی چه رفتاری خواهد داشت؟

به نظر من اینجا مجلس دوازدهم با توجه به تشدید انتقادات و انتقادات رسانه‌ها و افکار عمومی در حوزه اقتصادی و معیشتی سعی خواهد کرد تغییراتی در بخش اقتصادی کابینه رئیسی ایجاد کند. به‌این‌دلیل که مجلس در ابتدای کار باید برای افکار عمومی یک ابراز وجودی بکند و نشان دهد که محل تأثیر است. در نتیجه نمایندگان برای تغییر بخش اقتصادی دولت سیزدهم اعمال قدرت و اعمال فشار خواهند داشت.

یعنی مناسبات سیاسی دولت سیزدهم و مجلس دوازدهم در حد تغییر بخش اقتصادی کابینه خواهد بود و بیش از این جلو نخواهد رفت؟

معمولا در سال‌های آخر مجلس است که نمایندگان با هدف کسب آرای حوزه انتخابیه خود شروع به مواضع انتقادی و اعتراض به عملکرد وزرا و دولت خواهند کرد؛ وگرنه در ماه‌ها و سال‌های اول مجلس سعی خواهد شد که بهارستان چندان در برابر پاستور قرار نگیرد؛ بنابراین در سال اول و دوم مجلس دوازدهم دلیلی برای رادیکال‌شدن علیه دولت نیست و در این مدت هم معمولا نمایندگان از روش‌های محافظه‌کارانه استفاده می‌کنند. در اینجا به‌جز استثناها یعنی نمایندگانی که ممکن است به صورت انفرادی و تک‌تیرانداز حملاتی به دولت و وزرا داشته باشند، به صورت فراکسیونی و ائتلاف در مجلس بعید است انتقاداتی به دولت رئیسی شکل بگیرد. هرچند باید در نظر بگیریم که فراکسیون اقلیت مستقلین که متشکل از معتدلین و اصلاح‌طلبان هستند و جمعیت‌شان بیشتر از مجلس یازدهم است، می‌توانند انتقادات خود را به دولت داشته باشند؛ یعنی این فراکسیون اقلیت می‌تواند فشارهای خود را برای پاسخ‌گوکردن دولت و بهبود وضعیت داشته باشد.

به تشدید انتقادات و اعتراضات فضای رسانه‌ای و افکار عمومی کشور درباره عملکرد دولت رئیسی اشاره داشتید. با توجه به کارنامه پر انتقاد دولت سیزدهم آیا اصولگراها مشخصا در مجلس پیش‌رو کماکان حاضر به حمایت از رئیسی خواهند بود؟ چراکه برخی زمزمه تک‌دوره‌ای‌بودن او را مطرح می‌کنند؟

قبلا گفتم و دوباره هم می‌گویم که این نمایندگان مجلس دوازدهم گزینه‌ای به جز ابراهیم رئیسی ندارند. حتی اگر یک کاندیدای بالقوه هم وجود داشته باشد، کل بدنه اصولگرایی نمی‌تواند روی آن سرمایه‌گذاری سیاسی بکند؛ چون رأی‌آوری لازم مانند رئیسی را ندارد. از طرف دیگر اصولگرایان خودشان را درگیر اختلاف و مطرح‌کردن چند کاندیدای جدی موازی و شکستن آرا نخواهند کرد. در نتیجه به باور من و با وجود تمام اختلافات، انتقادات و اعتراضات درباره عملکرد دولت رئیسی بعید است که او یک رئیس‌جمهور تک‌دوره‌ای باشد؛ یعنی برداشت شخص محمد مهاجری این است که دوره ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی، تک‌دوره‌ای نیست؛ هرچند که بسیاری از اصولگرایان بر ناکارآمدی دولت سیزدهم و شخص رئیسی تأکید دارند و اذعان می‌کنند که رئیسی، رئیس‌جمهور توانمندی نبود و تقریبا بسیاری از وعده‌های خود را محقق نکرد؛ اما در نهایت چاره‌ای جز حمایت از رئیسی وجود ندارد؛ چون گزینه دیگری مطرح نیست که تضمین رأی‌آوری برای اصولگرایان را داشته باشد.

گزارش

«شرق» از روند همکاری ایران و قاره آفریقا گزارش می‌دهد

شرق: روز جمعه دومین اجلاس بین‌المللی ایران و آفریقا با حضور مقامات عالی اقتصادی بیش از ۲۰ کشور آفریقایی و با سخنرانی ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در محل سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد. به نوشته ایسنا، رئیس‌جمهور در این همایش با اشاره به ضرورت شناخت دقیق ظرفیت‌ها و استعدادهای موجود در کشورهای آفریقایی، وجود معادن و منابع گسترده در این کشورها و فناوری و دانش لازم برای بهره‌برداری و فرآوری این معادن در جمهوری اسلامی ایران را ظرفیت‌های متقابل و مکمل توصیف و اضافه کرد که کشت فراسرزمینی و تأمین منابع اولیه برای مراکز تولیدی و صنعتی با قیمت مناسب از دیگر زمینه‌های همکاری با آفریقا هستند. رئیسی، گام بعدی در زمینه گسترش روابط دو طرف را شناخت موانع پیش‌رو و تلاش برای رفع آنها دانست و عنوان داشت که تمهید زیرساخت‌های لازم برای گسترش روابط از جمله توسعه و تقویت خطوط کشیرانی، خطوط هوایی و رفع مشکلات نقل و انتقالات مالی و پولی از زمینه‌های ضروری برای گسترش روابط و همکاری‌ها میان دو طرف است. عباس علی‌آبادی، وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در این اجلاس بر ایجاد دبیرخانه دائمی اجلاس همکاری‌های اقتصادی ایران و آفریقا در این وزارتخانه و پیگیری مسائل مهم در جهت توسعه روابط برد- برد با کشورهای آفریقایی تأکید کرد. وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه در این اجلاس فرصت بسیار خوبی فراهم شده است تا نهادهای مالی مهم و پشتیبان صادرات و سرمایه‌گذاری با یکدیگر مذاکره و ملاقات داشته باشند تا نتیجه آن در تعمیق روابط بانکی طرفین را مشاهده کنیم، اظهار کرد که آمادگی بر تشکیل اتاق‌های بازرگانی و افزایش تعداد مراکز تجاری از ۱۰ مرکز به حداقل ۱۵ مرکز و افزایش تعداد رایزنان به ۱۲ رایزن در یک افق کوتاه‌مدت، تسهیل در دسترسی متقابل رایزن‌ها در قالب هیئت‌های تجاری و حضور در نمایشگاه‌ها و عرضه محصولات ایران در آفریقا به صورت متقابل را داریم.

با این حال و برخلاف آنچه در این نشست روز جمعه عنوان شد، علی لقمانی در گفت‌وگو با «شرق» اذعان دارد که صرفا با برگزاری همایش و سخنرانی نمی‌توان از ظرفیت‌های بکر سایر نقاط جهان استفاده کرد. چراکه به باور این کارشناس حوزه بین‌الملل، «به نظر می‌رسد سیاست خارجی ایران، ریل‌گذاری خود را با تمرکز بر خاورمیانه عربی پیش برده است و مناطقی مانند آسیای میانه، شبه‌قاره و همچنین آفریقا به شکل جدی مدنظر دیپلماسی اقتصادی نیست». البته لقمانی این را هم متذکر می‌شود که با وجود محدودیت‌های پولی، مالی و بانکی و نیز تداوم و تشدید تحریم‌های جاری غرب علیه ایران، پتانسیل لازم برای تهران در جهت مبادلات دو یا چند جانبه با دیگر کشورها از آسیای میانه و آفریقا گرفته تا آمریکای لاتین و به شکل اولی، اروپا وجود ندارد. مفسر حوزه سیاست خارجی اگرچه موضوع یا دستور کار تهران در حوزه تهاتر کالا با برخی کشورهای آسیای میانه، آسیای جنوب شرقی و آفریقایی را هم پیش می‌کشد، اما این نکته مهم را نیز یادآور می‌شود که با توجه به مشکلات کنونی اقتصادی و معیشتی در داخل کشور، سیاست تهاتر کالا به مثابه یک تاکتیک و درمان موقت عمل می‌کند که گاهی هزینه‌های آن به مراتب بیشتر از فایده و خروجی آن خواهد بود.